

سیره امنیتی و اطلاعاتی امام علی(ع)

اسدالله اکبری *

چکیده:

امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از ضروریات جامعه است. بر همین اساس می‌توان گفت تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف و اهداف اساسی حکومت‌ها خواهد بود. امنیت در اندیشه معصومین به ویژه معصومانی که فرصت حاکمیت سیاسی یافته‌اند نیز جایگاه مهمی دارد. این نوشتار درصدد بررسی مقوله امنیت و اقدامات و تدابیر امنیتی حضرت علی(ع) است که نزدیک پنج سال متصدی امر حکومت بودند و اهتمام خاصی در جهت تحقق این امر داشتند. این اقدامات - که در پیروی عملی از سیره نبوی بود- در زمینه اقدامات سیاسی و نظامی و اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در جهت تحقق صلح و گرایش به وحدت و نیز اصالت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برای آن حضرت جایگاه ویژه‌ای داشت. همین توجه به امنیت داخلی جامعه و رفع موانع بسط آن در درون و برون اجتماع نیز از خاطر مبارک آن حضرت پنهان نگشته، در جهت نیل به این اهداف، تلاش‌ها و اقداماتی را در جامعه آن روز انجام دادند. این پژوهش به بررسی سیره آن حضرت در این زمینه می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، تدابیر، امام علی(ع)، وحدت، صلح، جنگ.

* . دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم(ع).

یکی از اهداف هر حکومت تأمین امنیت است که برای اثبات و تحکیم حاکمیت خود، آن را برای شهروندان جامعه فراهم می‌کند؛ چرا که نظام سیاسی، بعد مهمی در حاکمیت محسوب می‌شود و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن همین مقوله امنیت است.

امروزه امنیت، گفتمان حجیمی را در اداره جوامع به خود اختصاص داده است و روزگاران گذشته نیز برای صاحبان قدرت و حاکمان جوامع گوناگون، ارزش و اعتباری ارزنده داشت؛ زیرا آنها نیز بالبداهه، اهمیت آن را دریافته بودند و به تعبیری، امنیت و اهمیت آن از امور محسوس بوده است. ضرورت این اصل برای همه جوامع و بشریت - صرف نظر از گرایش‌های دینی و مذهبی - امری روشن به نظر می‌رسید و در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله صدر اسلام در میان حاکمان مسلمان بر آن تأکید می‌شد.

اهمیت این مقوله از دید معصومان(ع) پنهان نمانده بود و امامانی که دارای حاکمیت سیاسی بودند، در ایجاد و استقرار امنیت، تلاش‌های فراوانی را متحمل شدند؛ بنای ما در این نوشتار آن است تا به اختصار، گوشه‌هایی از این اقدامات را ذکر کنیم.

امنیت عامل تضمین و تأمین آزادی‌های اساسی و مشروع انسان است و بدون آن، مقوله‌های مهم و فراوانی مانند حیات مادی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بی‌معنا خواهند شد. امنیت به لحاظ لغوی، مفاهیمی از قبیل ایمن شدن، در امان بودن، بدون بیم و هراس بودن (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ص ۱۷)، اطمینان و آرامش خاطر، محافظت از خطر (معطوف، ۱۳۶۵، ص ۱۲۴)، رهایی از تردید و احساس راحتی و بدون بیم بودن را در برابر آزادی‌های مشروع با خود به همراه دارد (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۲).

از گذشته تا حال، تلاش‌های زیادی در جهت تعریف امنیت و به معنای دقیق‌تر، پدیده‌شناسی امنیت انجام گرفته است. برخی آن را به فقدان تهدید تعریف کرده‌اند و حفظ و تأمین آن را از طریق افزایش توان نظامی امکان‌پذیر دانسته‌اند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). برخی دیگر امنیت را مترادف با صلح دانسته،

معتقدند امنیت جنبه تأمینی دارد و عده‌ای هم برآنند که فقدان تهدید درباره منافع ملی یک کشور مساوی با امنیت است (همان، ص ۱۲۳).

به نظر می‌رسد امنیت یک مفهوم کلی و دارای اجزا می‌باشد که جمع میان آن اجزا باعث ایجاد مفهومی به نام امنیت می‌گردد؛ اجزایی چون ثبات، نظم و غیره که دارای تأثیر و تأثر متقابل هستند (همان، ص ۱۲۳).

امنیت ملی

به مجموعه توانایی‌ها، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک ملت برای حفاظت از خود و ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی «امنیت ملی» گفته می‌شود (امیدوار، ۱۳۷۹، ص ۷۸ و ۷۹). البته خود امنیت به معنای مصونیت از تهدید، تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است که در مورد افراد (امنیت فردی) به معنای آن است که فرد در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع خود هراسی نداشته باشد و حقوق او به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی، حقوق مشروع وی را بدون دلیل قانونی و موجه تهدید ننماید (لکزائی، ۱۳۸۵، ص ۳۳)؛ در حالی که حوزه امنیت ملی گسترده‌تر است. امنیت ملی یعنی دستیابی کشوری به شرایطی که توان در امان بودن از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان را به آن کشور می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸).

دایره‌المعارف علوم اجتماعی، امنیت ملی را توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی در برابر تهدیدهای خارجی بیان می‌کند (ترابی، بی تا، ص ۶۹).

در تعریف دیگری آمده است: امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر برد (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

هانس مورگنتا نیز ضمن آنکه منافع ملی را در قالب امنیت ملی توصیف می‌کند، در این باره می‌گوید:

«امنیت ملی باید به مثابه تمامیت ارضی و حفظ نهادهای هر کشور تلقی گردد» (دالبی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱).

امام علی(ع) و امنیت ملی

یکی از اهداف والای امام علی(ع) و آرمان‌های آن حضرت، برقراری و گسترش امنیت در سرزمین‌های اسلامی بود که رشد و تعالی مردم را در سایه آن قابل تحقق می‌دانست. اقدامات آن حضرت براساس نیاز روز و میزان اهمیت و با توجه به اوضاع و شرایط متفاوت بود. گرچه اصطلاح امنیت ملی در صدر اسلام به کار نرفته است، اصل وجود آن همواره در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله صدر اسلام و در میان حاکمان مسلمان وجود داشته است.

یکی از پایه‌ها و مؤلفه‌های سازنده امنیت ملی «وحدت» و «هم‌دلی» است. اگر افراد یک جامعه یا مملکت در مسائل مهم و اساسی خود با یکدیگر هم‌دل و هم‌جهت باشند و در اختلافات جزئی و سلیقه‌ای بر آرای خود پافشاری نکنند، امنیت ملی آنها مستقر و مستمر خواهد بود. امیرمؤمنان(ع) آنگاه که با فتنه خوارج روبرو شد، فرمود:

همواره همراه بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با این جمعیت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها و پراکنده، بهره شیطان است، همچنان که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ می‌شود.

امنیت در سایه وحدت

از آنجا که وحدت از نیازهای اساسی جامعه است، می‌توان گفت امنیت در سایه آن قابل تحقق است و اگر اتحاد یک اجتماع گسسته شود، امنیت آن نیز از میان می‌رود. امام علی(ع) نیز به این مسئله توجه داشت و هنگامی که خلافت از امام دور شد و دیگران بر مسند جانشینی پیامبر تکیه زدند، افرادی ایشان را به قیام و گرفتن حق خود دعوت می‌کردند که برخی از روی دلسوزی و برخی دیگر با مطامع سیاسی به دنبال تحریک امام بودند. ابوسفیان یکی از این افراد بود که حکومت ابوبکر را - که از قبایل ضعیف قریش بود - تحمل نکرد و امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت نمود. او تحت عنوان حمایت از علی(ع) به دنبال برپایی فتنه بود که با جواب رد امام روبرو شد که فرمود:

شُقُوا امواجِ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النِّجَاءِ وَعَرَجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمَنَافِرَةِ وَضَعُوا تِيْجَانُ الْمُفَاخِرَةِ؛ امواج دریای فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید، از خلاف و تفرقه دوری گزینید و نشانه‌های تفاخر بر یکدیگر را از سر بر زمین نهید. (نهج البلاغه، بی تا، ص ۵۷).

امام ضمن سخنانی با اشاره به توانایی خود در گرفتن حقیقت، تنها دلیل عدم اقدام را جلوگیری از تفرقه مسلمین بیان می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر بیم تفرقه میان مسلمین و بازگشت کیفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان طور دیگری رقم می‌خورد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷). ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «فَرَأَيْتَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَسَفْكَ دِمَائِهِمْ؛ دیدم صبر بهتر از تفرق کلمه مسلمین و ریختن خون آنهاست» (همان، ص ۳۰۸).

صلح و ثبات داخلی، لازمه امنیت

هر حکومتی در راه تأمین امنیت خود، نیازمند یک مؤلفه مهم است: رفع اختلافات داخلی. اقدامات امام علی(ع) با مخالفان در این راستا بسیار مهم است. آن حضرت در همان آغاز خلافت با مشکلات فراوانی روبرو شد که مهم‌ترین آنها به وجود آمدن جنگ‌های داخلی بود. از یک طرف، طلحه و زبیر، بیعت شکستند و گروهی از جمله عایشه را با خود همراه کردند و از سوی دیگر، معاویه به بهانه خون‌خواهی عثمان به مخالفت با امام پرداخت و از بیعت با آن حضرت خودداری کرد. فرجام جنگ صفین، پیدایش گروهی متعصب به نام خوارج بود (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰). آنها نخستین پیمان‌شکنان بودند که پس از رسیدن به عراق و تسلط بر بصره، بیت‌المال را غارت کردند و پنجاه تن از نگهبانان بیت‌المال را کشتند و عثمان بن حنیف، حاکم بصره را برخلاف پیمان خود، دستگیر، شکنجه و از بصره اخراج کردند. امام پس از رسیدن به بصره با اعلام پیمان‌های مکرر کوشید تا شورشیان را از تصمیم‌شان منحرف سازد و به جماعت

بازگرداند؛ اما پاسخ مثبتی نشنید. آن حضرت صعصعه بن صوحان را همراه نامه‌ای به بصره فرستاد که دست خالی بازگشت و عبدالله بن عباس نیز با پاسخ منفی شورشیان مواجه شد (ابن‌نعمان، ۱۳۶۷، ص ۱۸۸).

علی‌رغم این رفتار اصحاب جمل، امام علی (ع) خود نیز به مذاکره مستقیم با طلحه و زبیر اقدام کرد و ضمن اشاره به وقایعی از زمان پیامبر (ص) آنها را در تصمیم‌شان متزلزل نمود (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۴).

امام پیش از جنگ در برخورد با معاویه نیز از طریق مذاکره و نامه‌نگاری سعی در جلوگیری از جنگ داشت و در نامه‌ای به او ضمن اشاره به بیعت مردم مدینه با آن حضرت، این بیعت را برای معاویه لازم‌الاتباع دانسته، فرمودند:

بیعتی که مردم در مدینه با من کرده‌اند، برای تو نیز که در شام هستی الزامی است؛ زیرا همان کسانی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کرده بودند، با من نیز بیعت کردند. از این‌رو هیچ فرد حاضر را چاره‌ای نیست جز آنکه بیعت کند و هیچ غایب را راهی نیست جز آنکه آن را بپذیرد». (منقری، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

با تسلیم نشدن معاویه، جنگ حتمی شد و امام در جنگ نیز تلاش کردند تا آتش جنگ را خاموش کنند. ایشان در این راستا یکی از سپاهیان را همراه قرآن به سوی شام فرستاد تا آنان را به حکمیت قرآن دعوت کند؛ اما سپاه شام او را به شهادت رساندند (همان، ص ۲۴۴). امام حتی پیشنهاد مبارزه مستقیم و تن به تن به معاویه داد تا هر کدام پیروز شدند، حکومت از آن او باشد و بدین وسیله وحدت مسلمانان حفظ شده، از جنگ و خونریزی جلوگیری شود (دینوری ۱۳۷۷، ص ۲۱۸). اگرچه پیشنهادهاى امام مورد پذیرش معاویه قرار نگرفت، این اقدامات نشان‌دهنده تلاش امام برای ایجاد وحدت و جلوگیری از جنگ بود.

اقدامات حکومتی (امنیتی، سیاسی و نظامی) امام علی (ع) در راه تأمین امنیت

امام علاوه بر آنچه بیان شد، اقدامات متعدد دیگری را در جهت گسترش امنیت و ثبات در سرزمین‌های تحت قلمرو خود انجام دادند که به سه عامل مهم آن می‌پردازیم.

۱. اقدامات امنیتی

۱-۱. خبرگیری از دشمن

یکی از مهم‌ترین اقدامات اطلاعاتی و امنیتی برای مقابله با دشمن، آگاه بودن از اقدامات و امکانات آنان است. در زمان خلافت امام علی (ع) همواره افرادی از طرف آن حضرت به صورت مخفیانه برای خبرگیری از دشمن به نقاط مختلف فرستاده می‌شدند که اخبار دشمن و تصمیمات آنها را برای امام گزارش می‌کردند تا امام به شکل مناسب با آنها مقابله کند. نامه آن حضرت به قثم بن عباس، والی مکه، نمونه‌ای از این اقدامات می‌باشد (نهج البلاغه، بی تا، ص ۹۴۲).

۱-۲. نظارت بر کارگزاران

یکی از تهدیدهای خطرناک برای حکومت، ارتباط دشمن با کارگزاران آن حکومت است، و رفع این تهدید، نظارت مستمر و حتی پنهانی بر رفت و آمد والیان را می‌طلبد. امام علی (ع) در این زمینه به وسیله نیروهای اطلاعاتی خود، ارتباطات احتمالی دشمن با برخی کارگزاران خود را تحت نظر داشت و در موارد ضروری، آنها را از خطراتی که در کمین آنها بود، آگاه می‌ساخت و به ایشان هشدار می‌داد. امام در نامه‌ای به زیاد، خطری از سوی معاویه را گوشزد نمود و چنین نوشت:

وَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ مَعَاوِيَةَ كَتَبَ إِلَيْكَ يَسْتَزِلُّ لُبَّكَ وَيَسْتَفِلُّ غَرْبِكَ، فَاحْذَرِ فَإِنَّمَا هُوَ الشَّيْطَانُ، يَأْتِي الْمَرْءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ لِيَفْتَحِمَ غَفْلَتَهُ وَ يَسْتَلِبَ عِزَّتَهُ؛ آگاه شدم معاویه نامه‌ای به تو نوشته، می‌خواهد دلت را بلغزند و در زیرکی تو رخنه کند. پس از او برحذر باش؛ زیرا او شیطانی است که از پس و پیش و راست و چپ شخص می‌آید تا ناگهان در هنگام غفلت عقل او را برباید (همان، ص ۹۶۳).

۱-۳. حفظ اسرار نظامی

برخی از اطلاعات و امکانات هر کشور به ویژه امور نظامی آن در هر مقطع زمانی - چه جنگ و چه صلح- باید از دید عموم مردم و کارگزاران آن کشور مخفی باشد و تنها در مواقع لزوم از آن آگاه شوند. اهمیت اسرار نظامی به اندازه‌ای است که سربازان و نیروهای نظامی هم تا زمان اجرا نباید از آن آگاه شوند تا مبدا دشمن از طریق جاسوسان و نیروهای مخفی خود از آن آگاه شود و درصدد ضربه به آن برآمده، به تدارک قوا و آمادگی نیروهایش بپردازد. امام علی(ع) به این نکته توجه داشت و در نامه‌ای به مرزداران و نیروهای مسلح خود، ضمن اشاره به برخی از حقوق آنان بر حاکم می‌فرماید: «الا وإن لکم عندی أن لأحتجزَ دونکم سرّاً إلا فی حرب؛ بدانید حق شما بر من این است که هیچ رازی جز اسرار نظامی را از شما پوشیده ندارم» (همان، ص ۹۸۳).

۲. اقدامات سیاسی

در زمان خلافت امیرالمؤمنین(ع) اقدامات سیاسی متعددی انجام گرفت که به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۲-۱. انتخاب شهر کوفه به عنوان پایتخت

یکی از اقدامات امام در آغاز خلافت، انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه بود. این شهر از جهت اقتصادی، جغرافیایی و نیروی انسانی بر حجاز برتری داشت. عراق از نظر جغرافیایی، حالت مرکزی برای سرزمین‌های اسلامی داشت و از جهت اقتصادی نیز با حجاز قابل مقایسه نبود. حجاز سرزمین خشک و بی‌آب و دارای فقر کشاورزی بود، در حالی که منطقه عراق، سرزمین پر نعمت و سرسبز بود و همین سرسبزی که از دور به سیاهی شباهت داشت، باعث نام‌گذاری آن منطقه به سواد شده بود. از جهت نیروی انسانی هم علاوه بر آنکه منطقه عراق، جمعیت بیشتری نسبت به حجاز داشت، دوست‌داران و شیعیان امام علی(ع) در آنجا به ویژه در کوفه فراوان بودند، در حالی که حجاز، جمعیت کمتری داشت و بسیاری از

کسانی که پدران آنها در جنگ‌های پیامبر(ص) با مشرکان به دست امام علی(ع) کشته شده بودند، در مدینه اقامت گزیده، کینه شدیدی نسبت به آن حضرت در دل داشتند.

امیرالمؤمنین(ع) درباره علت انتخاب کوفه و در جواب عده‌ای از اشراف انصار که از آن حضرت خواستند همانند خلفای پیشین در مدینه بماند، فرمود: «اموال و مردان در عراق هستند و مردم شام در حال شورش. دوست دارم نزدیک آنان باشم» و دستور حرکت داد و خود او با مردم به راه افتاد (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۰).

۲-۲. مذاکره و نامه‌نگاری

امام علی(ع) در دوران خلافت همواره بر جلوگیری از جنگ و خونریزی تأکید می‌کرد و در مقابل دشمنان، نخست به مذاکره و نامه‌نگاری و استفاده از روش‌های دیپلماتیک توجه داشت و تلاش می‌کرد اختلافات را بدون درگیری و جنگ خاتمه دهد و رقیبان و دشمنان را با استدلال و برهان متقاعد کند. رفتار آن حضرت پیش از جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین، شاهدی بر این مدعا می‌باشد.

۳. اقدامات نظامی

اگرچه سیره حکومتی امام(ع) براساس پرهیز از جنگ و خونریزی بود، این بدان معنا نیست که آن حضرت برای حفظ امنیت جامعه، به اقدامات دفاعی بی‌توجه بوده است؛ بلکه ایشان براساس آیه صریح قرآن «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة...» (انفال، آیه ۶۰) توجه خاصی به نیروهای نظامی داشتند و آنها را حافظ مردم و زینت و آراستگی حکمرانان دانسته، فرمودند:

فالجنود باذن الله حصون الرعيه و زين الولاه و عز الدين و سبل الأمن و ليس تقوم الرعيه الا بهم؛ پس سپاهیان به فرمان خدا برای رعیت، مانند دژها و قلعه‌ها و زینت و آراستگی حکمرانان و ارجمندی دین و راه‌های امن و آسایش هستند و رعیت برپا نمی‌ماند، مگر با بودن ایشان (نهج البلاغه، بی‌تا، ص ۱۰۳).

۳-۱. اقدامات پیشگیرانه

امام تأکید می‌کرد قبل از حمله دشمن باید در مقابل او آماده بود، نه آنکه غافلگیر شد. پس از پیمان‌شکنی طلحه و زبیر که به سمت عراق رفتند، عده‌ای از اصحاب از حضرت خواستند از تعقیب آنان خودداری کند که امام ضمن رد این درخواست فرمود: «والله لا اكون كالضبع تنام على طول اللدم حتى يقتل اليها طالبا و يختلها؛ سوگند به خدا من مانند کفتار خوابیده نیستم تا صیاد به او رسیده، او را در دام اندازد» (همان، بی‌تا، ص ۵۸). ایشان در جای دیگر، ضمن سرزنش کوفیان و یاران خود، آنها را به جنگ با معاویه فراخواند تا در راه جنگ و جهاد سستی نکنند تا مبادا دشمن وارد دیار آنها شود که شکست خورده، خوار شوند:

الا وانی قد دعوتکم الی قتال هولاء القوم لیلاً ونهاراً و سراً و اعلاناً و قلت لکم اغزوهم قبل ان یغزوکم فوالله ما غزی قوم قطافی عقودارهم الا ذلوا؛ آگاه باشید من شما را به جنگیدن (با معاویه) شب و روز، نهان و آشکار دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه آنها به جنگ شما بیایند، شما به جنگشان بروید. سوگند به خدا هرگز با قومی در میان خانه (دیار) آنها جنگ نشده مگر آنکه ذلیل و مغلوب گشته‌اند (همان، ص ۹۴).

۳-۲. گزینش سپاهیان

امام علی (ع) علاوه بر اهتمام ویژه به سپاهیان و وضعیت آنها، به انتخاب فرماندهان شایسته و مهربان با سربازان توجه داشتند. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر فرمود:

فرمانده سپاهت را کسی قرار ده که برای خدا و رسول او و برای امام و پیشوایت، پندپذیرتر، پاکدل‌تر، خردمندتر و بردبارترین باشد. از کسانی که دیر به خشم آید و زودعذرپذیر هستند؛ آنها که به زیردست مهربان و به زورمندان سخت‌گیری نمایند. (همان، ص ۱۰۰۵).

ج. تاکتیک‌های نظامی در جنگ‌ها

امام (ع) هم به تهیه و تدارک سپاه همت گمارد و هم به آغاز و شیوه‌های تاکتیکی جنگی توجه داشت. ایشان درباره رویارویی با دشمن، به لشکر خود خطاب می‌فرمود: «لشکرگاه خود را در جاهای بلند و یا دامنه کوه یا کنار رودخانه قرار دهید تا برای شما کمک راه و مانع دشمنان شود و جبهه جنگ را از یک یا دو سو قرار دهید» (همان، ص ۸۵۴). چرا که جنگیدن از چند طرف، پراکندگی و نیز ضعف و منجر به شکست است. امام به جاگیری نیروهای مختلف توجه داشت؛ همان طور که مقتل بن قیس ریاحی، فرمانده خود را به شام اعزام کرد و ضمن توجه دادن او به زمان و چگونگی حرکت و رفتار با مردم فرمود:

فإذا لقيت العدو فقف من أصحابك وسطاً ولاتدن من القوم دفوهن يريد ان ينشِبَ الحرب؛ هنگامی که با دشمن روبرو شدی، میانه لشکر خود بایست و به چشمان دشمنان نزدیک مشو، مانند نزدیک شدن کسی که می‌خواهد جنگ کند و از آنان دور شو همچون دور شدن کسی که از جنگ می‌ترسد تا فرمان من به تو برسد (همان، ص ۸۵۶).

توجه به امنیت داخلی پیش از جنگ

نکته مهمی که امام بدان توجه داشت، آن بود که پشت سر لشکر باید محفوظ بماند و در حین رویارویی با دشمن، امنیت داخلی برقرار باشد تا سربازان نگرانی نداشته، با آرامش بجنگند؛ مثلاً در زمانی که امام برای بار دوم، آماده رفتن به جنگ با معاویه بود، خطر خوارج مرکز حکومت را تهدید می‌کرد. ایشان سپاهیان را

که قصد رفتن به شام و جنگ با معاویه را داشتند، به سمت خوارج راهنمایی کرد و آنها را از میان برد (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۲۵۶) تا سپس به سوی معاویه رود. هر چند اگرچه بعد از جنگ با خوارج، سپاه امام آمادگی جنگ پیدا نکرد، خطر خوارج دفع شد.

موانع بسط امنیت از دیدگاه امام

بعضی عوامل می‌توانند مانع بسط امنیت در جامعه شوند که گاه همگی وجود دارند و گاه برخی از آنها. شدت و ضعف تأثیر این عوامل نیز متغیر است. ما در این نوشتار فقط به شمارش آنها می‌پردازیم: ۱. سستی و تنبلی در دفاع ملی؛ ۲. اختلافات داخلی؛ ۳. کم‌رنگ شدن ایمان و تعهد دینی؛ ۴. جنگ‌افروزی؛ ۵. قانون‌شکنی؛ ۶. حرمت‌شکنی رهبر؛ ۷. غفلت از وجود دشمن و ۸. فساد کارگزاران.

نتیجه

آنچه از بررسی مقوله امنیت بر می‌آید - اگر چه یک استقرای تام نیست - آن است که این امر اهمیت فراوانی در کسب مشروعیت و مقبولیت و جلب رضایتمندی افراد درون و برون جامعه دارد و نکته‌ای قابل توجه برای تمام سطوح جامعه می‌باشد. انتظار داشتن شهروندان از حاکمان برای ایجاد امنیت، امری روشن و طبیعی و از ابتدائی‌ترین نیازها محسوب می‌شود. مضرات فقدان امنیت چنان جوامع را دچار تزلزل می‌کند که شاید عدم مسائل بعدی اهمیت کمتری داشته باشد. حاکمان دینی به ویژه معصومین (ع) نیز در دوران مختلف حاکمیت خود به این امر توجه خاص و جدی داشتند و برای ایجاد امنیت و احساس آرامش شهروندان، تلاش گسترده‌ای انجام می‌دادند. امام علی (ع) نیز در کلام و مرام خویش، حتی در دوران خانه‌نشینی برای وحدت مسلمین و حفظ اصل اسلام، تأمین این مهم را در سیره عملی خویش اجرا نمودند و برای رسیدن به ثبات و امنیت اجتماعی در جامعه از راهکارهای متعدد سیاسی، نظامی، امنیتی و اجتماعی بهره گرفتند تا چارچوب‌های اصیل و جوهری دین اسلام مستحکم بماند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله (۱۳۸۵ه.ق)، شرح نهج البلاغه به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: دار احیاء التراث العربی.
۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی فرهنگ و اصطلاحات مکتب‌های سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
۵. امیدوار، احمد (۱۳۷۹)، امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردهای عملی، تهران: سازمان عقیدتی ناجا.
۶. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. ترابی، محمد (۱۳۸۵)، ساختار نظام بین‌الملل و امنیت ملی، قم.
۸. دالبی، سایمون (۱۳۷۷)، اطلاعات، منافع ملی و حیث زیست جهانی، تهران: دانشکده اطلاعات.
۹. دینوری، ابوحنفیه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطول، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۱۰. سعادت‌فر، احترام (۱۳۸۷)، «مناسبات آزادی و امنیت»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، قم.
۱۱. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، «عدالت و امنیت»، فصلنامه علوم سیاسی، قم.
۱۲. لکزائی، شریف (۱۳۸۵)، «مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، قم.
۱۳. مسعودی، علی بن حسین بن علی (۱۴۱۱)، مروج الذهب و معدن الجواهر، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
۱۴. مطهری، حمید (۱۳۸۵)، «سیره امنیتی امام علی (ع)»، فصلنامه علوم سیاسی، قم.

۱۵. معلوف، لويس (۱۳۶۵)، المنجد، تهران: اسماعيليان.

۱۶. مفيد، محمدبن نعمان (۱۳۶۷)، نبرد جمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران.

۱۷. منقری، نصرین مزاحم (۱۳۸۲ق)، وقعه صفین، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتبه آیه

العظمی مرعشی نجفی، قم: مؤسسه العربیه الحدیثیه.